

فیلمسازی مستند را تجربه کنید



گرد آوری و تالیف : مرتضی بوروبوری

cameraman1356@yahoo.com

© هرگونه کپی برداری و تکثیر و نقل مطالب با ذکر منبع مجاز است

منتشر شده در وب سایت پارس بوک

www.ParsBook.org

ژان کوکتو : هنری که در آن جوانان مشارکت نداشته باشند محکوم به نابودی است .

بیانیه:

من به عنوان یک فیلم ساز آماتور اولین فیلم مستندم را در سال ۱۳۷۶ با عنوان پالوده تولید کردم. در واقع اولین فیلم من پروژه پژوهشی درس تکنولوژی تولید مواد غذایی بود که من به جای اینکه در قالب مقاله ارائه کنم به صورت فیلم تقدیم استادم مرحوم دکتر شهوه ای کردم.

توی اون زمان با اطلاعات کمی که از تصویر برداری - مونتاز - صداگذاری - صدا برداری و کارگردانی داشتم بدون فیلم نامه مشخص و با اتکا به اون فیلمهای مستند زیادی که دیده بودم (به علت فقر و کمبود امکانات من هرگز امکان داشتن یک دوربین عکاسی رو نداشتم چه برسه به دوربین فیلمبرداری) توی ذهنم یک دکوپاژ (یعنی کنار هم قرار دادن ذهنی اجزایی که فیلم نهایی رو تشکیل میده) کردم.

به اصرار من پدرم یک دوربین فیلمبرداری وی-اچ-اس - پاناسونیک ام ۱۰۰۰ رو از یکی از دوستاش قرض کرد و من که تا به حال هرگز فیلمبرداری نکرده بودم پشت دوربین قرار گرفتم و خودم شدم فیلمبردار و کارگردان کار. تنها تلاشی که در طول کار میکردم این بود که تا میتونم تصویر بگیرم تا توی مرحله مونتاز با اصطلاح کم نیارم و حواسم جمع بود که دوربین همش روی اتوماتیک باشه و وایت بالانس (که اون موقع نمیدونستم چیه) الحدا.. دوربین خوب داده و امروز هم که فیلم رو نگاه میکنم مشکل زیادی توش نیستم (دست چشم بادومیها درد نکنه با تکنولوژی شون) خلاصه در طول تصویر برداری سعی میکردم هر جور ملغی که میشه با دوربین بزنم تا پلانها شبیه مستندهای خارجی بشه اما نشد که نشد.

بعد به مرحله مونتاز رسیدیم چشمتون روز بد نبینه من که اون موقع اصلا از امکانات باکسهای مونتاز خطی و غیر خطی سر رشته ای نداشتم با ارتباط دادن بین ویدئوی خونگی خودمون و ویدئویی که از همسایه مون قرض گرفته بودم و همینطور با فیشی که خودم درست کرده بودم که یه سرش فونو (فیش نری باند) بود و یه سرش فیش سوزنی (کامپوزیت) ضبط رو به ویدئو (برای صداگذاری) وصل کردم.

بعد صدام رو به عنوان نریشن (گفتار متن) روی نوار کاست ضبط کردم. پلانهای که باید پشت سرهم می چسبیدن رو بر اساس گفتار متن پلی میکردم و پاز ویدئو ضبط کننده رو آزاد میکردم تا صدا و تصویر همزمان ضبط بشن. نشون به اون نشون که از ۸ صبح تا ۸ شب من یه تیک مشغول مونتاژ بودم. بعد به تیتراژ رسید. از قبل اسمها رو روی کاغذ با ماژیک نوشته بودم و یکی یکی با دوربین ضبط شون کردم بعد موسیقی رو که از روی کاست میومد با تصاویر مربوطه باهم روی نوار ضبط کردم.

وقتی نمره پروژم ۱۹/۵ شد مطمئن شدم که کارمو زیاد بدانجام ندادم.

این خاطره رو گفتم که بدونین چطور یه بچه بالنسبه فقیر بدون اطلاعات و امکانات میتونه اونکاری رو که بهش عشق میورزه به سرانجام برسونه.

اون چیزی رو که در ادامه مطالعه میکنید حاصل تجربیات و اطلاعات هرچند ناقص منه که چون امکان چاپ و انتشار شو نداشتم از امکانات رویایی شبکه جهانی استفاده کردم تا مخاطبم رو در سراسر دنیا پیدا کنم و اگر فقط و فقط یک نفر هم بتونه از این کتاب استفاده کنه من رسالتم رو انجام دادم.

از اساتید محترم و پیشکسوتان عرصه ادب به سبب برگزیدن ادبیات عامیانه در نوشتار نهایت عذر خواهی را میکنم و از ایشان اجازه میخواهم روش جدیدی را در آموزش علوم و فنون مختلف بیازماییم شاید به خیل کتاب خوانهایمان اضافه گردد.

همینطور بدون شکسته نفسی و اینجور چیزا میگم که من نه سواد سینمایی دارم ونه اینکه فیلمهای بسیار بسیار خوبی میسازم ولی این صفحه هار و برای این نوشتم که حداقل فرایندهایی که یه آماتور بتونه فیلم بسازه رو تا حدودی درک کردم چون خودم از این نقطه شروع کردم و از اساتید نهایت عذر خواهی رو میکنم و امیدوارم جسارت منو ببخشن که دست به قلم بردم ولی نیت این بوده که حداقل یه کتاب برنده زرشک طلایی به کتابهای بسیار وزینی که در این عرصه هست اضافه میشه.

از همه دوستانی که منت بر سر حقیر گذاشته و این مجلد را مطالعه میکنند خواهش میکنم با نظرات اصلاحی خودشون منو یاری کنند.

با نهایت سپاس

مرتضی بوربوری

Cameraman1356@yahoo.com

تقدیم به:

استاد منوچهر طیب

استاد پرویز کیمیاوی

استاد حمید نفیسی

استاد خسرو سینایی

استاد کامران شیر دل

استاد بهرام ری پور

استاد احمد ضابطی جهرمی

استاد اکبر عالمی

استاد اسماعیل میرفخرایی

استاد رامین حیدری فاروقی

استاد مهرداد اسکویی

استاد مسعود امینی تیرانی

دیوید سوزوکی

دیوید اتن برو

آلن کاوالیه

و دیگرانی که تاثیری بس شگرف بر قلب و مغز و روح من گذاشتند.

به همراه

بوسه ای بر گونه پدر و مادرم که مرا تحمل کردند .

۱- فیلم مستند چیست ؟

من توی این کتاب هرگز نمی خوام به تاریخ سینمای مستند و مسائل هنری پردازم چون فکر میکنم توی این زمینه کتابهایی هرچند اندک بوسیله اساتید فن نوشته شده .

توی این بخش با زبان ساده میخوام بگم همه فیلمها مستند هستند (به غیر از فیلمهایی که با استفاده از رایانه و جلوه های رایانه ای ساخته میشن) چون همشون واقعیاتی رو که جلو دوربین اتفاق میافته رو ضبط میکنن.

اما به نظر من فرقی که فیلم مستند(یا اون چیزی که ما به عنوان فیلم مستند میشناسیم) با انواع داستانی میکنه اینه که توی فیلمهای داستانی شخصیت- حوادث- مکانها/بازسازی میشن که داستان رو به پیش ببرن ولی توی مستند سوژه ست که بیننده رو تا آخر با خودش همراه میکنه و شما به عنوان یک فیلمساز یا کارگردان به سوژه تون نمیگین این کار رو بکن یا این کارو نکن یا اینو بگو یا ... بلکه اگه دخل و تصرفی هم میکنین در جهت زیباتر شدن قاب تصویرتون یا برای بیان بهتر واقعیاته مثلا اگه یه مستند خبری میسازین و به سوژه تون میگین جلوی یه کتاب خونه بشینه در واقع می خوانین به بیننده تون یه جورایی کارشناس بودن طرف رو نشون بدین و دخل و تصرفتون در همین حده . این گفته من نباید باعث بشه که شما در حد یه فیلم بردار ساده مقامتون نزول کنه و فقط اون چیزی رو که جلو دوربینتون اتفاق میافته ثبت کنین و بس بلکه چه در مرحله ضبط و چه در مرحله مونتاژ شما میتونین اونچیزی رو که بدردتون میخوره و در قالب کلی فیلمتون جا میگیره رو استفاده کنین و مصاحبه هاتونو توی اون جهت هدایت کنین تا اون کلی که به اون فیلم شما میگیه گویایی و زیبایی لازم رو داشته باشه .

کلمه مستند یا Documentary اولین بار بوسیله " جان گریسون " برای توصیف فیلم

موآنا ساخته رابرت فلاهرتی بکار برده شد . گریسون شاید یکی از بزرگترین نظریه پردازها و موثرترین افرادی باشه که توی توسعه فیلمهای مستند نقش داشته . شاید نظر پیر لورنتز هم جالب باشه که فیلم مستند رو فیلمی حقیقی که قصه گو هم هست میدونه .

با این دیدگاه فیلم مستند به انواع مختلفی تقسیم میشه مثل : مستند خبری - مستند علمی - مستند حیات وحش - مستند قوم نگاری - مستند تاریخنگاری - مستند اجتماعی - مستند تبلیغی - مستند شاعرانه - مستند حقیقت جو - مستند معترض و....

برای ساخت فیلم مستند به چه چیزهایی نیاز داریم ؟

شما از لحظه ای که دوربین رو برای ثبت تصاویر در دست می گیرید در واقع به نوعی وارد دنیای اعجاب انگیز سینما میشید حال اگر حرفی برای گفتن داشته باشید و شیوه ای برای بیان حرفهاتون پیدا کنین اونوقته که میتونین عمر هنریتونو توی این عرصه بیشتر کنین و بیننده های پرو پا قرصی هم برای خودتون پیدا کنین .
بنابر این اولین چیزی که لازم دارین یه دوربینه .

چطور یه دوربین مناسب انتخاب کنیم ؟

نکته ای که باید بدونین اینه که حتما حتما لازم نیست که برای شروع فیلمسازیتون دوربین داشته باشین چه برسه به دوربینهای گرون قیمت و اونچنانی . چون اولاً موسساتی هستن که دوربینهای حرفه ای رو با قیمت مناسب اجاره میدن و ثانیاً یه کمی دوروبرتونو نگاه کنین می بینین توی دوستان و اقوامتون حتما کسی هست که یه دوربین هندیکم ایت یا وی اچ اس یا دیجیتال داره که گوشه خورش داره خاک میخوره پس راهشو پیدا کنین که بتونین ازش قرض کنین و کارتونو انجام بدین . یه نکته رو اصلاً اصلاً فراموش نکنین که اگه دوربینتونو از یکی از دو حالت بالا تهیه کردین در نگهداریش نهایت دقت رو بکنین که دفعه دیگه هم که کارتون لنگ بود حداقل اعتبار رو داشته باشین .
اما کسانی که امکاناتشو دارن چطوری یه دوربین بخرن ؟

من و امثال من که توی زمان یکه تازی دوربینهای سوپر هشت عشق سینما شدیم هنوزم که هنوزه با وجود دوربینهای باکیفیت بسیار بالای اچ دی وی - اچ دی - دی وی - و ... بازم دلمون میخواد فیلمهامون همون آب و رنگ فیلمهای ریور سال و نگاتیو سوپر ۸ و ۱۶ میلیمتری رو داشته باشه ولی ... خوب بگذریم . امروزه توی بازار دوربینهای

ویدئویی خونگی طیف بسیار وسیعی از دوربینها برای انتخاب وجود داره که هرگز همیشه مارک ومدل خاصی رو برای خرید پیشنهاد داد .

ولی همیشه امکاناتی رو که شما به عنوان یه فیلمساز لازم دارین رو برشمرد و اونوقت شما بتونین با سنجیدن توان اقتصادیتون نزدیکترین دوربین رو نسبت به خواسته هاتون انتخاب کنین.من که با دوربینهای معمولی کارم رو شروع کردم و الان که با دوربینهای حرفه ای کار میکنم ولی گاه گذاری فیلمهای کوتاهی بهم پیشنهاد میشه که (من به عنوان تصویر بردار باید باهاشون کار کنم)با دوربینهای هندی کم باید فیلمبرداری کنم (علازغم اینکه دوستان و همکارانم بهم پیشنهاد میکنن پذیرفتن اینجور کارها بدور از حرفه ای گریه ولی من برای اینکه فراموش نکنم از کجا شروع کردم و همینطور با فکرهای تازه آشنا بشم این کار رو میکنم) تقریبا با انواع و اقسام دوربینهای جدید خونگی کار کرده ام . بنابراین فکر میکنم پیشنهادای خوبی براتون داشته باشم .

۱- دوربینتون باید حداقل کیفیت قابل پخش رو داشته باشه . این نکته رو برای این میگم که اگه فیلمتون یه فیلم بسیار خوب شد و یا صحنه ای ضبط کردین که دیگه تکرار پذیر نیست و خواستین فیلمتونو بفروشین از این نظر مشکلی نداشته باشین .

از این حیث دوربینهای هندی کمی که میتونن اس - وی - اچ - اس - فیلمبرداری کنن باقیمت خیلی پایین در دسترسند .

اگه یه مقدار پول بیشتر بدین میتونین یه دوربین ایت (۸) دیجیتال بخرین که کیفیت تصویرش از دوربین قبلی بهتره . اگه حساب بانکیتون اجازه میده برین سراغ یه دوربین دی وی - که فیلمهای بسیار کوچک میخورد و یا دی وی که به جای نوار بر روی دیسکهای دی وی کوچک عمل ضبط روانجام میدن .

اگه یه حساب بانکی تپل مپل دارین میتونین دوربینهای اچ دی وی رو امتحان کنین.

۲- دوربینتون باید امکان انتخابهای دستی رو برای وایت بالانس و فوکوس و دیافراگم داشته باشه .

اگر نمیخواهین زیاد حرفه ای فیلمبرداری کنین به این مورد اصلا احتیاجی ندارین ولی اگر دوربینتون این قابلیتها رو داشته باشه به مرور که شما حرفه ای تر میشین دیگه احتیاجی ندارین یه دوربین دیگه بخرین و این نکته رو هم فراموش نکنین که اصلا تفاوت قیمت فاحشی بین این دوربینها و دوربینهای تمام اتوماتیک وجود نداره .

برای اینکه بدو نین این اسامی عجیب وغریب چی هستند یکی یکی توضیحشون میدم

وایت بالانس :چشم انسان حتی توی نور قرمز اجاق میتونه رنگ سبز رو از رنگ قرمز تشخیص بده . به علاوه در رنگ آبی یه روز سراسر ابری میتونه سفیدی یه دیوار سفید رو تشخیص بده با توجه به اینکه نوری که از اون ساطع میشه آبییه . اما دوربینهای ویدئویی این قدرت تشخیص رو ندارن آدمهای دور آتش رو قرمز رنگ و دیوار سفید رو به رنگ آبی میبینن بنابراین دوربین ویدئویی رو باید با توجه به نوری که میتابه تنظیم کرد .برای اینکه این کار رو بکنین(البته اگر دوربینتون این قابلیت رو داره) روی یه موضوع سفید مثلا یک برگ کاغذ زوم میکنین و سپس دکمه وایت بالانس یا توازن رنگ سفید رو که در روی بدنه دوربین یا توی منوشه و با دلیلی و بی نمایش داده میشه رو فشار میدین یه نمایشگر روی ویزور یا ال سی دی دوربین شروع به چشمک زدن میکنه و وقتی که از حرکت وایساد بهترین رنگ مطلوب برای اون نور و اون موقعیت جغرافیایی بدست اومده بعد تا زمانی که دوربین رو خاموش نکردین ویا نورتون تغییر نکرده احتیاجی به تنظیم مجدد ندارین .

فوکوس :فوکوس یا میزان سازی در واقع واضح کردن تصویره . یعنی اون چیزی که ما در اصطلاح میگیم تصویر تاره رو ازبین ببریم و این عمل رو در عکاسی و تصویر برداری میگن فوکوس کردن . برای اینکارهم دکمه مخصوصی روی بدنه دوربین ویا توی منوها وجود داره میتونیم این کار رو انجام بدیم . حسن فوکوس دستی نسبت به اتوماتیک اینه که چون فوکوس اتوماتیک معمولا جسمی رو که به دوربین نزدیکتره رو به عنوان مرجع انتخاب میکنه و تصویر روی اون واضح میشه واین کار شمارو در جاهای شلوغ سخت میکنه چون اگه یه نفر از جلوی دوربین شما رد بشه فوکوستون بهم میخوره وتوجه بیننده ناخود آگاه به موضوع در حال حرکت جلب میشه .

دیافراگم : میزان ورود نور را به داخل دوربین تنظیم میکند در اکثر دوربینها این کار به طور خود کار انجام می شود ولی در مواقعی لازم است که شما خودتان میزان نور ورودی بدوربین که در نهایت در روی فیلم ضبط می شود را کنترل کنید به همین جهت اگر دوربینتان توانایی تنظیم دیافراگم را به طور دستی داشته باشد بسیار خوبه.

۳- دوربینتون امکان نصب لنزهای الحاقی فیلتر های مختلف و پروژکتور رو داشته باشه.

اگه شما علاقمند به طبیعت هستین داشتن انواع لنزهای واید (که عرض بیشتری از یک منظره را در تصویر جا میدهند) و لنزهای تله (که از فاصله بسیار دور میتون سوژه را نزدیک کرد) نیاز دارین . همینجا لازم میدونم راجع به زوم دیجیتال و اپتیکال توضیحاتی بدم . اپتیکال زوم توانایی لنز دوربین در بزرگنماییه درست مثل یه ذره بینی که شما بین چشمهاتون و یه نوشته قرار میدین ذره بین نوشته رو تا یه حدی بزرگ میکنه واین توی ذره بینهای مختلف بر اساس نقطه کانونیشون فرق میکنه توی یه لنز هم که از چندین واحد ذره بینی ساخته شده همین قانون حکمفرماست و این عدد بزرگنمایی با علامت ایکس کنار بدنه دوربین نوشته شده و هرچه این عدد بزرگتر باشه قدرت نزدیک کردن اجسام از فاصله دورتر برای دوربین فراهم تره ولی حواستون جمع باشه که گول نخورین یه عدد دیگه ایهم کنار دوربینا نوشته میشه با حرف دی انگلیسی همراهه که نشون دهنده زوم دیجیتال دوربینه . زوم دیجیتال در واقع تصویری رو که روی سی سی دی (توی دوربین) ساخته میشه رو بزرگ میکنه واین باعث میشه اگه از این زوم استفاده کنین کیفیت تصویر کم وکمتر بشه پس این نکته رو در تهیه دوربین مد نظر داشته باشین .

۴- فیش مناسب برای وصل میکروفون وهدفون داشته باشه . بارها شده که من به کاری دعوت شدم که با یه هندیکم بسیار گرون قیمت باید فیلمبرداری میکردم وصداهم قرار بوده با یه میکروفون یقه ای گرفته بشه ولی دوربین اصلا امکان ورودی میکروفون رو نداشته و توی اون کار هر چه قدر تصاویرمون خوب شده صدامون افتضاح بوده و در نهایت اصلا کار خوبی در نیومده پس ورودی و خروجیهای دوربینتونو کاملا در نظر داشته باشین .

وسایل اضافی و کمکی :

سه پایه :یک سه پایه سبک و قابل حمل و نقل در بیشتر مواقع یک ناجیه مخصوصا وقتی شما یه نفره هم کارگردان هم صدابردار وهم تصویر بردار باشین ویا مواقعی که سوژه از شما خیلی دوره و شما از حداکثر زوم استفاده میکنین که سوژه

رو به خودتون نزدیک کنین در این مواقع کوچکترین تکون دست به تصویر منتقل میشه پس سه پایه رو فراموش نکنین.

کیف : دوربین دستگاهی ظریف و گرون قیمتیه باید با تموم دقت دوربین و سایر لوازمونو توی کیفی که بهتره سفت باشه تا نرم حمل کنین در ضمن طراحی طوری باشه که به راحتی بتونین دوربین و سایر لوازم رو وارد و خارج کنین .اگه کیفی پیدا کنین که ضد آب هم باشه معرکه س.

نور افکن : فیلمبرداری در نور کم کار زیاد مشکلی نیست چون سیستمهای جدید امکان تصویربرداری در نور بسیار کم رو فراهم کرده .اما برای دست یابی به کیفیت بهتر تصویر همچنین ضبط تصویری هنری گاهی استفاده از یک چراغ که به طور مستقل ویا نصب شده در روی دوربین لازم به نظر میرسه . البته امروزه با پیشرفت ال ای دی ها من چراغ قوه ها و هد لایت های (پیشانی بندهای که چراغ قوه ال ای دی دارند) را گاه گذاری برای نور پردازی استفاده می کنم و این به شما کمک میکند که هم به دنبال منابع برقی آن چنانی سر سحنه فیلمبرداری نگردید و هم با یک بارو بنه سبک بتوانید یک نور خوب داشته باشید یه نکته رو مد نظر داشته باشید که اگر از ال ای دی استفاده میکنید از رنگ سفید این نوع لامپها بهره بگیرید تا به این وسیله تصویر بدون اغتشاش رنگی داشته باشین .

میکروفون : همانقدر که تصویر در سینما مهم است صدا نیز اهمیت دارد و چه بسا وقتی که تصاویر خوبی نگرفته ایم صدا بتونه این نقیصه رو پوشش بده.

استفاده از یه میکروفون خوب خیلی عالیه مثلا اگر شما یه میکروفون گان (میکروفونی که در سینمای داستانی بالای سر هنر پیشه قرار میگیرد) داشته باشین البته که کیفیت صداتون عالی در میآد ولی بیشتر وقتا سوژه هایی که برای کار انتخاب میکنین به شما اجازه نمی ده که از اینجور وسیله ها استفاده کنین.

راه حلهایی که برای استفاده از میکروفون وجود داره یکیشون اینه که بایه هزینه بسیار ناچیز یه میکروفون یقه ای سیمدار (نه بیسیم) برای شروع کارتون تهیه کنین و همینجور یه میکروفون معمولی خبر نگاری دستی و در مواقعی هم فقط از میکروفون دوربین میتونین استفاده کنین .

اگر مصاحبه میگیرین میکروفون یقه ای رو استفاده کنین اما اگه میکروفون یقه ای ندارین و میکروفون دستیه تا اونجا که براتون ممکنه یه جایی برای استتار میکروفونتون پیدا کنین تا توی کادر تصویرتون نباشه مثلاً یه گلدون بذارین بین میکروفون و دوربین یا میکروفون دستی رو با یه پایه بالاسر سوژه تون (البته خارج کادر تصویر) قرار بدین و... (راهکار مناسب رو در محل و با وسایلی که دارین پیدا کنین).

از میکروفون دوربین هم میتونین استفاده کنین فقط اینو بدونین که این میکروفونها معمولاً کیفیت صدای خیلی خوبی ندارن و دوم اینکه اگه توی یه مکان باز مصاحبه میگیرین تا اونجا که ممکنه به سوژه باید نزدیک بشین. میکروفونی رو انتخاب کنین که بتونین بهترین و راحت ترین استفاده رو ازش ببرین. برای موفقیت در تصویربرداری آرامش و اندیشه لازمه:

بسیار راحتیه که چشمتون رو روی نمایاب دوربین اتوماتیک بذارین و دکمه ضبط رو فشار بدین اینکار خیلی هم آسونه. اما یه چنین کاری مشکلاتی رو هم موجب میشه. بنابراین باید قبل از شروع به فیلم گرفتن فکر کرد. از قبل دونستن اونچه که باید روی فیلم ضبط بشه لازم و ضروریه.

سینمایه وسیله ارتباطیه باید مقداری از قوانین و ضوابط کار اونو بدونین. خوشبختانه برای کار آماتور این قوانین چندان زیاد نیست در حکایت کردن یه خاطره از تعطیلات و سفرها و یا یه واقعه خانوادگی و همچنین جشن تولد یا مراسم عقد و عروسی دونستن این قوانین و به کار بستنش میتونه سودمند باشه.

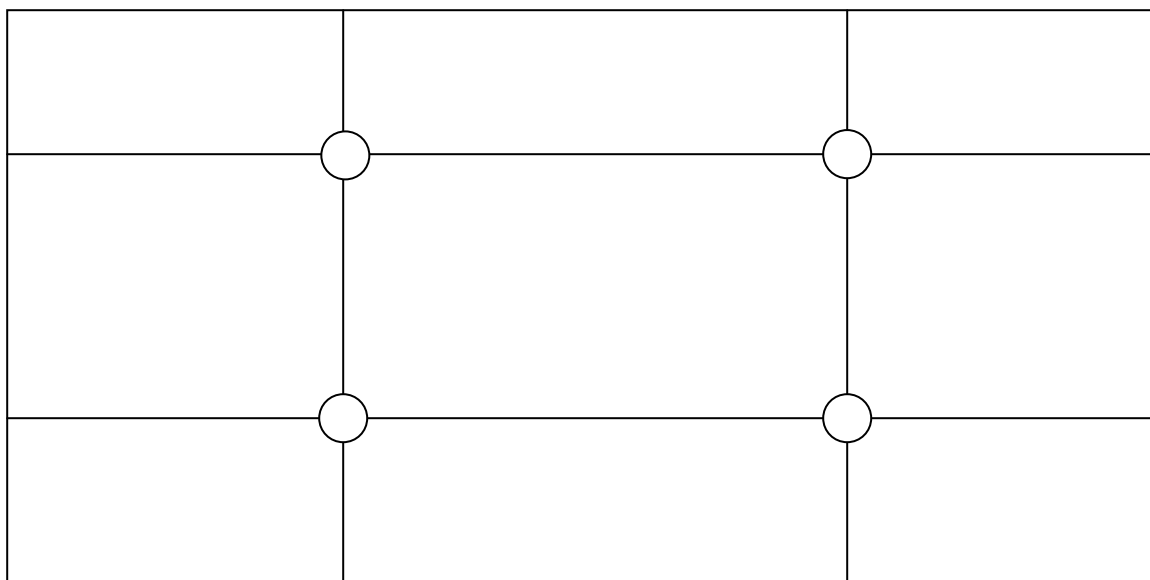
باید موضوع فیلم رو به سکانس و به نما (شات یا پلان) های با مدت زمانهای متفاوت برش داد باید هر چیز رو به درستی در سر جاش نشوند و زاویه ها و حرکات دوربین لازم رو برای هریک از این نماها پیش بینی کرد. فیلمساز یا فیلمبردار ماهر بودن ضرورتش اندیشیدن از قبل و همینطور آرامش داشتن موقع کاره.

ترکیب بندی :

حتماً تا حالا بارها و بارها به کلمه کمپوزیسیون یا ترکیب بندی برخورد کرده این.

ترکیب بندی در واقع چیدمان عناصر مختلف در قاب مستطیل شکل ویزور دوربینه مثل اینکه شما به عکس طبیعت رو نگاه میکنین نحوه قرار گرفتن درختا کوهها و... چیدمان عکس رو تعیین میکنه حالا اگه عکاس جاشو تغییر میداد به یه چیدمان دیگه ای دست پیدا میکرد به این چیدمان ترکیب بندی میگن. فیلم درواقع ساسله ای از عکسای پشت سر همه بنابراین شما باید مثل یه عکاس فکر کنین و بعد پلانتونو ترکیب بندی کنین فقط فرقی که داره اینه که شما میتونین به راحتی دوربینتونو حرکت بدین و توی حرکت هم چه به اطراف و چه به طرف موضوع باید مساله ترکیب بندی رو همش مورد توجه داشته باشین .

اگر مستطیل زیر، قاب تصویرتون باشه و اون رو در طول و عرض به سه قسمت تقسیم کنین جاهایی که خطها با هم تلاقی میکنن و با دایره نشون داده شدن در واقع بیشترین قدرت رو برای قرار دادن موضوعات مهم دارن یعنی به عنوان مثال یه قانون مهم در ترکیب بندی وجود داره که چشم باید در $\frac{1}{3}$ بالایی تصویر باشه یعنی چه توی نمای بسته و چه توی نمای باز باید این قانون رو رعایت کنین حالا اگه چشم رو در $\frac{1}{3}$ بالایی تصویر قاب بندی کردین اگر فرد مورد نظر به شکل سه رخ نسبت به دوربین بیاسته و یکی از چشمها رو روی یکی از محلهای تلاقی خطوط عمودی و افقی قرار بدین ببینین چه کادر قوی و زیبایی خواهین داشت.



در اینجا نمیخواهم بیشتر از این از قوانین ترکیب بندی صحبت کنم چون فکر میکنم این قوانین نو آموزهارو محدود میکنه بنابراین هر جور که خواستین سوژه تونو کادر بندی کنین و این رو بدونین قوانین برای این وضع میشن که شکسته بشن بنابر این مخصوصا توی هنر خودتونو محدود به اینجور چیزا نکنین و برای اینکه اطلاعاتتون زیاد بشه تا میتونین عکس و نقاشی ببینین و تا میتونین فیلمهای مستند تاکید میکنم فیلمهای مستند خوب ببینین تا تفاوت کادر بندیهای تاثیر گذار و معمولی رو بفهمین.

موقع تصویربرداری طول نماها رو تعیین کنید .

طول مدت یک صحنه مساله ای مهم در موقع تصویربرداری به شمار میره .

مثلا یه لانگ شات یا تمام نماکه توی اون عده زیادی باید نشون داده بشن نیاز به نمایش طولانیتری داره تا یک نمای درشت که توی اون چای خوردن یک نفر رو میبینیم.

از قبل دونستن مدت نماها یی که در فیلم نهایی ازشون استفاده میشه سبب صرفه جویی توی فیلم گرفته شده و زمان تلف شده میشه .

خستگی حاصل از تماشای یه فیلم ناشی از همشکل بودنهاست . یعنی صحنه ها اونقدر طولانی میشن که خستگی و ملال بوجود میآرن.

پس صحنه ها باید چه طولی داشته باشن ؟

میشه حساب کرد که یک نمای درشت مثلا ۲-۵ ثانیه براش کافیه و یه نمای لانگ شات یا تمام نما ۱۰-۱۲ ثانیه وقت میخواد که دیده بشه . نباید زیاد فیلم گرفت . اطراف یه موضوع گشتن و نماهای کوتاه و متعدد رفتن بهتره تا برداشتن یه نمای طولانی ازیک زاویه که بیننده را کسل میکنه و اطلاعات جدیدی به اون نمیده . البته این قاعده رو در مورد صحنه های میرا یا اتفاقاتی که یکبار ممکنه جلوی دوربین شما بیافته نباید به کار برد مثلا ازحمله یه جغد خاکستری به یه موش صحرایی دارین فیلمبرداری میکنین ولحظه ایکه جغد شیرجه میره شما ثانیه ۱۲ هستین و بگین اوه پلان طولانی شد کات بدم

نه نه... اصلا این کار رو نکنین بلکه چون چنین صحنه هایی اولاً میرا هستن و تکرارشون توی فیلمای مستند امکان پذیر نیست شما باید تا پایانشون فیلم بگیریین ثانیا

چون چنین صحنه هایی ریتم تند درونی دارن بیننده رو اصلا خسته نمیکنن پس به راحتی و با آسودگی خاطر به فیلمبرداری ادامه بدین .

تصویربرداری پلانهای تکراری :

در تولید فیلم شما به پلانهای عمومی تکراری زیادی احتیاج پیدا میکنین مثلا نماهای عمومی خیابونها پلها جاده ها دریا و...

برای غنی تر کردن فیلمتون میتونین توی زمانهایی که پروژه ای در دست ندارین پلانهای زیبایی رو برای فیلمهاتون بگیریین .بخشی از این پلانها که ممکنه بعدا به دردتون بخوره شامل :

تصویربرداری از ساختمانها:

از مسجدها - کلیساها- پلها- بویژه ساختمانهایی که جنبه تاریخی دارن یا ساختمانهایی که ارتفاع زیادی دارن همیشه پلانهای خوبی گرفت .

۱- از ساختمان قدری دور بشین.

۲- زاویه مناسب مخصوصا از کنج یا یکزایه ساختمان.

۳- با بازترین حالت عدسی و بسته ترین دیافراگم فیلمبرداری کنین.

موارد ذکر شده برای اونه که پلان دارای عمق باشه ولی چنانچه از یک قسمت مثلا از گنبدها- مناره ها- ناقوس کلیساها تصویربرداری میکنید احتیاج به عمق برای پلان نخواهید داشت. در مواقعی که از ریزه کاری کاشیها- نقاشی و کنده کاری تصویربرداری میکنید اجبارا باید به محل نزدیک بشین تا تصویرتون زیباتر بشه. وقتی از محل فاصله میگیرین سعی کنین نمای ساختمان در $\frac{1}{3}$ سمت چپ یا راست تصویر قرار بگیره. اینکار به تصویر جلوه و زیبایی خاصی میده.

برای تصویربرداری از کاشیها و نقاشیها روی اونها زوم کنین.

توجه کنین که حتما پلانها رو با استفاده از سه پایه بگیرین.

تصویربرداری از بچه ها:

اصولا بچه ها همیشه در حال جنب و جوش و حرکت هستند. هیچوقت نمیشه اونها رو در مدت زمانی که برای گرفتن یه پلان جالب لازمه در یک حالت مشاهده کرد و اونقدر هم تیز هوشن که به محض دیدن دوربین فورا از حالت طبیعی بچه گانه خارج میشن و تقریبا خود رو آماده فیلم گرفتن میکنن. برای فیلم گرفتن از بچه ها باید خیلی محتاط و صبور بود. بگذارید اونها در هر حالت و یا بازی که دوست دارن و یا کاری که مایلن انجام بدن باشن. اجازه یا فرصت به اونا ندین که پز مخصوصی به خودشون بگیرن. بهترین عملی که میشه انجام داد اینه که دوربین رو تقریبا قبل از اینکه به بچه ها نزدیک بشین آماده کنین اگر توی محیط باز تصویربرداری میکنین دوربین رو روی سه پایه محکم کنین در محلی که بچه ها متوجه نشن و اونقدر صبر کنین تا بچه ها سرگرم کار خود بشن اونوقت پشت دوربین قرار بگیرین و تصویربرداری کنین.

حالات و حرکات کودکان دارای نشاط و شادابی ویژه ای است اگر بتوانید آنرا در عکس ثبت کنید اطمینان داشته باشید زمان را برای کودک خود متوقف کرده اید هرچه لباس کودک معمولی باشد تصویربرداری جلوه بهتری دارد.

تصویربرداری از ماشینهای آتشنشانی :

تصویربرداری از ماشینهای آتشنشانی مخصوصا در شب جالب و زیبا ست . دوربین رو به طرفی که ماشینها میان متوجه کنید از نور شدید چراغ ماشینها هم پرهیز کنید (توجه کنید که نور چراغ ماشینها به عدسی دوربین نتابه) تا اونجایی که ممکنه دوربین روی سه پایه باشه .

تصویربرداری از مناظر طبیعت و دورنماها:

یکی از نکات مهم در مورد تصویربرداری از مناظر طبیعی و دور نماها وضع نا مساعد فواصل است . تعیین فاصله متناسب برای تصویربرداری از طبیعت و مناظر زیبای آن یکی از نکات بینهایت دقیق است.

علت این امر نیز کاملا روشن و واضحه. چنانچه بخواین حداکثر استفاده رو از مناظر زیبای طبیعت در فیلم ببرین ریزه کاریها و اجزاء زیبای مناظر در فیلم دیده نمیشن و اگه بخواین از ریزه کاریهای طبیعت تصویر بگیرین از مناظر کلی طبیعی محروم خواهید شد . بنابراین تعیین فاصله در اینگونه فیلمها یکی از موارد مهمه.

به طور کلی تصویربرداری از مناظر طبیعت شامل چمن - مرغزارهای سبز - درختان سر در هم فرو برده در زمینه ای از آسمون آبی . تمام این موارد سوژه طبیعت رو تشکیل میده . یه درخت شکسته از باد و طوفان در چمنزاری سرسبز بینهایت زیبا است.

نکته دیگه اینکه در تصویربرداری از طبیعت باید به اون توجه داشت شیئی ایه که در جلوی تصویر باید قرار بگیره .

اگه به عکسای زیبای طبیعت که در مجلات عکاسی و یا مجلات تبلیغاتی چاپ میگردد توجه کنین ملاحظه میکنین که عکس از مناظر طبیعت بدون اینکه در جلوی اون شاخه - درخت حتی سنگ بوته علف و تک شاخه نباشه وجود ندارد . علت این امر هم کاملا مشخصه زیرا زمینه جلوی عکس باعث میشه که مناظر طبیعت برجسته تر و با عمق بهتر نمایان بشه. اگه همون عکس رو بدون داشتن زمینه جلو عکسبرداری کنین کاملا به بی عمقی عکس پی میبرین . بنابراین سعی

کنین در موقع تصویربرداری از طبیعت شاخه درخت - شاخه گل بوته علف - تک درخت و بالاخره جسمی در جلوی پلانتون قرار داشته باشد . دقت کنین که جسم زمینه جلوی تصویر در گوشه فیلم در سمت راست یا چپ قرار داشته باشد . اگه در وسط قاب ثبت بشه ارزش واقعی و طبیعی خود رو از دست میده .

اگه پلانی که از منظره طبیعت تهیه میکنین دارای کلبه یا ساختمونی است توجه داشته باشین که اون رو درست مخالف زمینه و جلوی تصویر قرار بدین در جلوی قاب اگه پرنده ها در حال پرواز باشن و آسمون هم لکه هائی از ابر داشته باشه نما کاملا زیبا و درخور توجه میشه .

تصویربرداری از طبیعت:

در تصویربرداری از طبیعت بیشتر از لانه پرندگان و پرواز دسته جمعی اونها به خصوص در کنار دریا و مرغان دریایی بحث میشه .

به طور کلی این نوع تصویربرداری طبیعی بی نهایت جالب و تماشاییه و گاهی آموزنده هم هست .بهترین ساعات تصویربرداری از پرندگان بخصوص از آشیانه اونها مخصوصا آشیونه های دارای تخم و یا جوجه صبح زود و یا ساعت سه بعد از ظهر به بعده در ماههایی که نسبت شبانه روز تقریبا مساویه .
برای تهیه چنین پلانهای باید اقدامات زیر رو انجام بدین :

الف) نور:

بایستی توجه داشت که سمت نور به آشیانه از کدام جهت بوده که در نتیجه دوربین رو روی سه پایه به همون سمت در مقابل لونه قرار داد.

ب) وضعیت شاخ و برگ :

وضعیت شاخ و برگ درختان اطراف و جوانب سوژه را در نظر گرفته . چنانچه مانعی از این قبیل مشاهده شد موانع را برطرف و در صورت عدم امکان دوربین رو تا حدودی که سمت نور خنثی نشه جابجا کرد .

ج)فاصله:

بهترین فاصله برای تهیه این نوع تصویر حدود دو متره کما اینکه از فاصله دور هم میشه با عدسی زوم تصویر زیبایی تهیه کرد ولی تا اونجا که ممکنه به سوژه نزدیک بشید تا شات بهتری بر روی نوار ثبت کنید.

پرنده های مشتاق با هیاهو و سرو صدای زیاد به خاطر حمله ناگهانی یه ناشناس به آشیونشون که میخواد جوجه هاشونو به سرقت ببره از راه میرسن . باید کاملا توجه داشت که اینگونه هیاهو که توجه پرنده های دیگه رو هم جلب میکنه و اونا رو به سمت صدا میکشونه از عقبه باید خودتونو مخفی کنین کاملا صبر داشته باشین چون بالاخره پرنده ها برای اطمینان از بودن جوجه هاشون به لانه نزدیک میشن و پرنده های دیگه که بالا سر اونا و کاملا در ارتفاع پایین پرواز میکنن هر کدوم به مقصد خودشون میرن . پرنده ها با دیدن جوجه های خود شادی کنان و بال زنان به لانه نزدیک شده و هر کدوم به دهان جوجه ای دانه میگذارن و یا با نهایت شادی در اطراف جوجه های خود پرواز میکنن و جوجه به تصور اینکه پدر و مادر شون غذای اونا رو آورده دهان خود را باز میکنن. این بهترین موقع تصویربرداریه.

تصویر برداری از پرنده های بزرگ در حال پرواز شاتهای زیبایی بهتون میده توجه داشته باشین که تصویر گرفتن از پرنده های کوچیک در حال پرواز زیاد جالب نمیشه و به غیر از لکه های کوچیک در زمینه آسمون چیزی توی تصویر دیده نمیشه.

بنا براین سعی کنین از پرنده های با جسه بزرگ که در حال پرواز دسته جمعی هستن تصویربرداری کنین و سعی کنین اولین پرنده کاملا جلوی عکس قرار داشته باشه .

نوع دیگه ای از این منظره ها شنا کردن مرغها و پرنده های بزرگ مثل غازها - مرغابیها و امثال اونها در رودخونه ها و کنار دریاس .

از حیوانات صحرائی مثل خرگوش - روباه - شغال - گرگ و امثال اون چون به علت ترسشون از انسان یا بالعکس همیشه به اونها نزدیک شد بهتره از عدسیهای زوم استفاده کرد ویا مخفیگاهی با مواد طبیعی موجود در محل بسازید (سنگ - چوب و...) به این ترتیب به خاطر اینکه حیونها متوجه شما نمیشن میشه تصاویر جالبی تهیه کرد .

همیشه سعی کنین برای تصویربرداری از حیوونا جایی قرار بگیرین که باد بوی شما رو به سمت اونا نبره چون حیوونایی مثل قوچ و بز کوهی و.. شامه تیزی دارن و تا بوی شما رو استشمام کنن مطمئنا فرار میکنن.

سه نکته رو برای تصویربرداری از حیوانات باید به خاطر داشته باشین صبر...صبر...صبر و بدونین بهترین فیلمبردارا و تصویربردارا طبیعت فقط با استفاده از همین سه نکته موفق شدن بهترین پلانهای زندگیشونو بگیرن .
تصویربرداری ورزشی :

سوژه های ورزشی به علت تحرک بالایی که دارن همیشه برای تصویربردارا مایه دردسرن مخصوصا مسابقاتی مثل بسکتبال و فوتبال و شمشیر بازی . بنابراین برای اینکه بعد از بازی از تصویرهاییکه گرفتین نا امید نشین همیشه سعی کنین شم بازی خونی داشته باشین و بدونین این سوژه ای که الان شما روش زوم کردین به کدوم طرف حرکت میکنه .
مورد دیگه ای که توجه به اون کاملا ضروریه زاویه تصویربرداریه . به طور کلی سعی کنین که در تصویربرداری از صحنه های ورزشی مثل مسابقه های دو-تومبیلرانی-موتورسیکلت رانی و یا دوچرخه سواری و قایقرانی و... از سمت برخورد نور به سوژه تصویربرداری کنین . بهترین زاویه تصویربرداری از اینگونه سوژه ها از پهلو و عبور اونا از جلوی عدسی دوربینه .
تصویربرداری از جنگل:

اصولا زیبایی جنگل در دو زمان بینهایت تماشاییه یکی صبح زود موقعی که آفتاب تازه در حال طلوعه و انوار طلایی خورشید از لا به لای شاخ و برگهای سبز و تنه درختا جلوه ای جاودانی پیدا نموده - وقت دیگه موقع غروب خورشید مخصوصا در مواقعی که آسمون دارای لکه های ابر باشه که در اثر تابش نور خورشید مثل پنبه ای آتیش گرفته و توی زمینه آسمون نمایون میشه . چنانچه در جلوی تصویر این منظره ها تعدادی درخت هم ثبت بشن تصویری بدست میآد که حقیقاتا چشم از دیدنش سیر نمیشه .

تدوین:

خوب فرض میکنیم شما تصویر برداریتون تموم شده و یک سری پلان دارید که در ظاهر هیچ ربطی به هم ندارن توی مرحله مونتاژ شما مجدداً فیلمتونو کارگردانی میکنین و با تصاویر در ظاهر غیر مرتبط یه داستانی رو تعریف میکنین.

وقتی کار فیلمبرداری تموم میشه از مجموعه افکار و ایده های نویسنده و کارگردان مقداری فیلم گرفته شده باقی میمونه که هیچ ارتباط منطقی و دراماتیک (داستانی) بین اونا وجود نداره . هیچکس از دیدن فیلمهای گرفته شده که بهشون راش (به معنی عجله) میگیمن نمیتونه به موضوع فیلم یا اون چیزی که کارگردان قصد بیاننش رو داره پی بیره . حالا میخواد این فیلم یه فیلممستند باشه یا یه فیلم داستانی یا یه فیلم تجربی .تنها مرحله تدوینه که تصورات ذهنی کارگردان همراه با استعداد فنی و قدرت تصمیم گیری تدوین کننده واقعیت تصویری پیدا میکنن.

شاید برای کسانی که آشنایی زیادی با کار سینما ندارن عمل تدوین فقط چسبوندن سرو ته شاتها به همدیگه باشه.

گرچه کار تدوین کننده عملاً بریدن و چسبوندن فیلم هست ولی این فقط ظاهر قضیه اس و اون نیروی جادویی تدوینه که به فیلم روح و شخصیت میبخشه و بزرگان سینما در پیچ و خمهای اعجاب آفرین اون به مکاشفه پرداختن ریشه تو ذهن اندیشه و احساس تدوین کننده داره.

پیوند (مونتاژ) فیلم یه مرحله اساسی در سازندگی اثر به شمار میره . چه بسا فیلمهایی که بسیار خوب کارگردانی شدن ولی به دست یه مونتاژ کار ناشی میافتن و حاصل کار افتضاح میشه . پس اگه خاستین فیلمتونو بدین یه نفر مونتاژ کنه حتما کارای قبلی اونو ببینین .

چه وسائلی برای مونتاژ فیلم نیاز داریم ؟

شما با استفاده از دوربینتان و یک ویدئو کاست وی-اچ-اس و یا با استفاده از یک کامپیوتر میتونید فیلمتان را مونتاژ کنید. راحت ترین کار این است که فیلمتان را به موسساتی که در این زمینه فعالیت میکنند بسپارید و هزینه ناچیزی برای مونتاژ فیلمتان بپردازید.

اصول هنری مونتاژ فیلم چه هستند؟

اول شما باید تمامی فیلمهایی که گرفته اید باز بینی کنید و زمان پلانهای که میخواهید از آنها در فیلمتان استفاده کنید بر روی یک کاغذ یادداشت کنید به این ورق شات لیست یا لیست پلانها میگویند (زمان در گوشه ویزور دوربینتان و یا در روی دیسپلی تیپ وی-اچ-اس نوشته میشود.) به این ترتیب زمانی که میخواهید فیلمتان را مونتاژ کنید دچار سر در گمی نمیشوید. بازدید مکرر فیلم این امکان را میدهد تا قبل از آغاز کار برای پیوند نهایی آنچه زائد است در آورده شود. نماهای پرنور دیده و کم نور دیده یا نا واضح - نماهای تکان خورده در آورده شود بدون کوچکترین ناراحتی هر چه که به فیلمتون صدمه میزنه رو باید دور بریزید .

فیلم رو توی دستگاه نمایش قرار بدین و اون رو به حرکت در بیارین و ترتیب و کیفیت نماها رو یادداشت کنین و هر کدوم رو شماره بذارین و شرح و خلاصه ای برای هر نما یادداشت کنین این کار سبب میشه که تو ذهنتون هر کدوم رو بخواین میتونین بیاد بیارین.

درشتی نماها رو باید نوشت . درشت نما (درن) نمای متوسط (ن م) دورنما(دون) و... میشه به اختصار صحنه و مشخصات رنگ و غلظت نوری تصویر و جهات اجزای حرکات دوربین و آدمها رو یادداشت کنین.

به عنوان مثال :

نوار شماره ۳

۱- (درن)-مادر بزرگ در حال بافتن است او سرش را به سوی چپ بر میگردد- زمینه پشت تاریک است. زمان ۰۰:۱۲:۰۸

نوار شماره ۲۰

۲- (ن م) - از ورای پنجره بچه ها روی چمن بازی میکنن روشنایی زیاده و رنگ سبزه رنگی دیگه میچربه .

نوار شماره ۸

۳- (دون) بچه ها در بیرون خانه اند چمن در پیش نما قرار داره بچه ها به سمت راست میدوند.

پیوند روی کاغذ:

از روی یادداشت ترتیب بندی که بیشتر اوقات مورد استفاده اس میشه لیست سکانسها رو که باید استخون بندی فیلم بشه تنظیم کرد.

به عنوان مثال :

- مسافرت با اتومبیل و رسیدن به محل گذراندن تعطیلات .

- استقرار

- پیدا کردن پلاژ بوسیله بچه ها.

- بازی بچه ها.

- مراقبت بزرگترها .

- نهار دسته جمعی و ...

این مجموعه وقتی تنظیم شد روی یه صفحه کاغذ نوشته میشه . بعد برای هر سکانس روی یه برگ کاغذ دیگه ردیف

پیوندی که طی اون نماهایی که ترتیب بندی اونا قبل پیش بینی شدن یادداشت میشه.

باید دونست که تفاوت میان دو لیست اینه که توی اولی ترتیب سکانسها و نماها به ترتیب فیلمبرداری یادداشت میشه و

توی لیست دوم به ترتیبی که باید پشت سر هم چسبونده بشن قید میشه. در ضمن هر سکانس و هر نمایی که انتخاب

میشه باید عنوانش روی لیست اول خط بخوره هرکدوم از فیشها که در حقیقت برگ هویت هر نما به شمار میره باید

دقیقا مشخصات نما رو بیان کنه.

در جمع آوری این مجموعه که باید قصه ای رو حکایت کنه وقتی دقت به کار رفت اونوقت تدوینگر میفهمه باید چکار

کنه اندیشه اش اون رو رهبری میکنه که چه کار باید کرد ؟

جمع آوری نماها:

باید دقیقا به ترتیبی که نماها تنظیمش روی فیش یادداشت شده است اندیشید وقتی به این

نتیجه میرسیم که ترتیب بندی کامل انجام شده است به جمع آوری نماها میپردازیم برای اجرای این کار باید پای میز

تدوین بنشینیم و نماهای مختلف رو بهم بچسبانیم.

هدف از تدوین یا چسبوندن دو یا چند پلان به هم اینه که مجموعه اونا موقع نمایش فقط یه پلان یه تیکه به نظر بیاد .

ساده ترین سکانس داستانی تشکیل میشه از یه شات از شخصی که به جایی نگاه میکنه . یه شات از اونچه این شخص

میبیند و به پلان از عکس العمل این شخص از اونچیزی که دیده . یعنی آگه صحنه شادی دیده باشه صورت اون شاد و آگه صحنه غم انگیزی دیده باشه صورتش اندوهگین خواهد بود. مجموعه این شاتها ساده ترین شکل تدوین در سینما رو نشون میدن که گویای به مفهوم عادی و ابتداییه. لازم نیست شاتهایی که به دنبال هم میان تا مفهوم واحدی رو القا کنن توی به محل فیلمبرداری شده باشن. مثلا توی یک شات مادری را میبینیم که در محیط آروم خونه مشغول شیر دادن به نوزادشه . توی شات بعدی ناظر حرکت سریع اتومبیلهای آتش نشانی توی خیابون هستیم بعد دوباره مادر و کودک رو میبینیم .دیگه خونه اون محیط آروم قبلی رو نداره چراکه حالا ما نگران سلامت مادر و کودک هستیم. نمای دوم درواقع این آرامش رو بهم زده و این نشون میده چطور تدوین مفهوم شاتها رو از طریق ترتیب چیده شدن تغییر میده . همیشه این نکته رو مد نظر داشته باشین :

نقش واقعی هر پلان در رابطه با شاتهای قبل وبعدی ظاهر میشه .

تدوین فیلمهای داستانی و مستند:

تدوین کننده فیلمهای داستانی از تداوم دراماتیک داستان با مراجعه به فیلمنامه و همینطور راهنماییهای کارگردان فیلم اطلاع پیدا میکنه . وظیفه اون انتقال این تداوم دراماتیک به تصاویر یا شاتهای فیلمه از طریق عواملی نظیر : تداوم – حرکت – فضاو زمان – حفظ خط فرضی ۱۸۰ درجه – کوتاه یا بلند کردن زمان واقعی فیلم – بوجود آوردن ریتم در فیلم از طریق بلندی یا کوتاهی شاتها و بسیاری عوامل دیگه که بعضی از اونا به ذوق و سلیقه تدوین کننده بستگی داره .

تدوین فیلمهای مستند بسیار پیچیده تره و تدوین کننده باید به تنهایی تداوم کلی فیلم رو حفظ کنه بدون اونکه برای توالی شاتها قبلا تصمیم گیری دقیقی به عمل اومده باشه . برای مثال مراسم یه جشن ملی رو تصور کنین که جمعیت زیادی برای تماشای مراسم جمع شدن . دسته موزیک مینوازه و سربازها از جلوی جایگاه شخصیتهای دولتی رژه میرن . این مراسم ممکنه چند ساعت طول بکشه و چند فیلمبردار از زوایای مختلف از اون فیلمبرداری کنن . باصدها پلانی که از این مراسم گرفته میشه تدوین کننده باید یه فیلم چند دقیقه ای بوجود بیاره . در اینجا شاتها و نحوه پشت هم ردیف کردن اونها بستگی به تصمیم تدوین کننده داره.

آیا او از چند نمای باز شروع میکند و بعد با نمای نسبتاً بسته و کاملاً بسته جزئیات مراسم رو نشون میده؟ آیا به طور پی در پی یه شات از مراسم و یه شات از چهره تماشاگران میذاره؟ اصولاً با انتخابی که از شاتهای موجود به عمل میآد قصد داره به مراسم جلال و شکوه ببخشه یا بر عکس اون رو تحقیر کنه و احیاناً دست بیاندازه؟

باین ترتیب میبینیم که فیلمهای مستند توی مرحله تدوین ساخته میشن و شکل و شخصیت نهایی خود رو پیدا میکنن . بعضی فیلمهای مستند با تدوین هوشمندانه و موثر در بیان هدفهای فیلمساز بسیار محکم و موثر عمل میکنن .

شما بگین چه فیلم مستندی میخواین بسازین منم بهتون میگم چطوری :

قبل از هر چیز شما باید سوژه ای رو برای ساختن فیلم انتخاب کنین . معمولاً هر سوژه ای رو میشه به تصویر کشید ولی موضوع خوب برای سینما سوژه ایه که هیجان و تحرک بیشتری داشته باشه .(من عاشق همین بخش سینما هستم) بعضی از فیلمها که تغییرات و دگرگونیها رو نشون میدن (مثل تخریب ساختمونها ی محلی در شهرها) احتمالاً با استقبال بیننده ها مواجه نمیشن مگر اینکه استدلال نمایشی توی اونها اونقدر زیاد باشه و از چنان جاذبه ای برخوردار باشن که بتونن بیننده رو بخود شون جذب کنن و با استفاده از علاقه او فیلم رو در حد بالایی نگه دارن .این مثال در مورد فیلمهایی که از زندگینامه ها و مبارزات مردم با دشواریها و مصائب طبیعت و ... گرفته میشه نیز مصداق داره یا فیلمهایی وجود دارن که نشون میدن چرا عده ای فوتبال رو به شطرنج و یا خونه رو به آپارتمان ترجیح میدن

برای شروع بهتره با یه سوژه دم دستی شروع کنیم مثلاًمثلاً...

فیلمهای مستند تعطیلاتی خاطراتی و گردشگری : یکی از زیباییهای فیلمسازی مستند اینه که همیشه میشه یه چیزی دورو بر خودمون برای ساخت فیلم پیدا کنیم . خوب چی بهتر راز اینکه توی یه سفر خاطره انگیز با خانواده ویا دوستان این کار رو بکنیم و علاوه بر اون که خاطراتمونو جاودانه میکنیم تمرینی هم برای فیلمسازیمون میکنیم .

برای اینکه یه فیلم خاطراتی ماندگار بسازیم از اول باید تکلسفمون روشن باشه که نیکوایم گفتار متن (نریشن) روی فیلممون بذاریم یا نه ؟ اگه جواب مثبته میخوایم گفتار متن رو هنگام تصویربرداری روی فیلم بذاریم یا موقع تدوین اگر

قرار فیلم اول تصویربرداری بشه و بعدا مونتاژ بشه بنابراین تا میتونین موقع تصویربرداری کمتر حرف بزنین و من یه پیشنهادم براتون میکنم اگه جایی میرین که تا حالا نرفتین قبل از اینکه تصویر برداری اصلی رو شروع کنین چند ثانیه روی فیلم حرف بزنین که اینجا کجاست و دارین چه کار میکنین تا موقع مونتاژ بتونین به راحتی سرو ته پلانها رو پیدا کنین و دچار مشکل نشین.

تجربه به من میگه برای ساخت یه همچین فیلمی اگه از مراحل آماده شدن شروع به تصویربرداری کنین و تا زمانی که خسته و کوفته خونه اومدین تصویربرداریتون ادامه داشته باشه از لا به لای این تصاویر میتونین چندتا فیلم با ارزش بسازین مثل یه پشت صحنه خنده دار ، یه فیلم جدی مستند آموزشی از نحوه رفتن به جنگل و جنگل نوردی ، یه مستند بسیار خوب از مناظر زیبا و طبیعت اطرافمون و... .

بنابراین توصیه من به شما اینه که مثل یه خبر نگار قبراغ و آماده همیشه در صدد شکار لحظه های خوب باشین همینطور همش خودتونو بذارین جای کسی که هیچ اطلاعی از موضوع فیلم شما نداره و سعی کنین با تصویر برداری درست و حسابی سوالات مخاطباتونو جواب بدین مثلا چطوری میشه کوله رو جمع کرد چه موادغذایی باید همراه داشته باشین پوشش گیاهی منطقه مورد نظر چیه و...

بعد از اینکه تصویربرداریتون تموم شد بارها و بارها فیلمتونو ببینین و تا بهترین شیوه منتاژ رو براش پیدا کنین توصیه من اینه که براساس راشهاتون یه گفتار متن بنویسین و اسنجوری یه موضوع و یه خط داستانی دارین که بر اساس اون میتونین بهترین مونتاژ رو انجام بدین .

فیلمهایی که مربوط به موضوعات طبیعت و حیوانات میشن.

اولین نکته ای که در مورد این فیلمها باید بدونین اینه که این مستندها جزء گرونترین مستند های دنیا به شمار میرن بنابراین وسایل و ادوات خاص جزء لاینفک این فیلمهاست.

فیلمهایی که در این دسته قرار میگیرن از فیلمی از گربه یا سگ خونگیتون شروع میشه تا فیلمی از آخرین گورخرهای

ایران زمین. اون چیزی که من در زمینه فیلمسازی از طبیعت یاد گرفتم اینه که هر چه وسایل تصویربرداریتون قویتر

باشه شما فیلم بهتری خواهید ساخت بنابر این با یه دوربین معمولی و لنز معمولی سعی نکنین یه فیلم آنچنانی از عقاب

طلایی یا دلیجه بسازین بلکه توی اینجور از فیلمها وسایلتونن که به شما میگن چه فیلمی بسازین با این وسایل (البته اگر علاقمند به عقاب طلایی و دلیجه هستین) میتونین یه فیلم از جاهایی که این پرنده ها زندگی میکنن بسازین با چند نمای نه چندان بسته از حیوان مطمئن باشین اگه اینکار رو بکنین به به و چه چه مخاطبتون در میآد تا اینکه با این وسائل بخواین یه فیلم آنچنانی از این دو پرنده بسازین بدون اینکه یه نمای درست و حسابی از حیوون داشته باشین و یا تمام پلاناتون اونقدر تکون داشته باشه که قابل دیدن نباشه و آدم سر گیجه بگیره.

نکات مهم برای ساخت اینجور فیلمها: اگه از یه حیوونی تصویر برداری میکنین که کاملا وحشیه اگه براتون امکان داره و دوربینتون مجهز به کنترل از راه دوره دوربینتونو در زمان نبودن حیوان یا پرنده داخل لونش کنین (اگر لونش خیلی تاریکه نایت شات دوربینتونو روشن کنین) و به محض این که حیوون وارد لونش شد با کنترل از راه دور ضبط رو شروع کنین.

حیوانات به چند دسته تقسیم میشن حیواناتی که از حس بویایی قوی برخوردارن برای نزدیک شدن به اینجور حیوونا باید تا اونجا که ممکنه از مسیر مخالف باد به اونا نزدیک بشین به عبارت دیگه باد باید از طرف حیوون به طرف شما بوزه نه از طرف شما به طرف حیوون اینجوری میتونین خیلی به حیوون نزدیک بشین. حیواناتی مثل قوچ اورپال و قوچ ارمنی آهو و گوزن وکل و بزاز این دسته هستن.

بعضی از حیوونا از بینایی قوی برخوردارن مثل عقابها یا مثل روباه برای اینکه به این حیوونها نزدیک بشین وبتونین از اونا تصویربرداری کنین باید خودتونو استتار یا اختفا کنین. حالا اگه فرصت دارین و امکانات، میتونین جلوی لانه این حیوونها یه مکان استتار مثل یه کلبه از شاخ و برگ گیاهان بسازین و یا میتونین با پوشیدن لباس هم رنگ محیط مثل لباس سفید در برف استفاده کنین.

برای تصویربرداری از ماهیها در زیر آب در صورتی که دوربین زیر آبی ندارین از پیروسکوپ یا چشم زیردریایی استفاده کنین و اگه آب کدره و یا نور زیر آب کمه یه پیروسکوپ دیگه به پیروسکوپ تصویربرداریتون بچسبونین و با یه سری ال - ای - دی

نوروبه زیر آب بفرستین.

برای اینکه نمای هوایی بگیرین دور دوربینتونو با ابر (اسفنج) و مقداری تخته بیوشونین و با استفاده از یه مشمای بزرگ که توشو با گاز شهری پر کردین یه بالون درست کنین و دوربینتونو با هاش بفرستین بالا برای اینکه دوربینتون از دسترس خارج نشه مثل بادبادک با نخ قرقره محکمی که بهش بستین کنترلش کنین.

اینجور فیلمها فیلمهایی هستند که به اصطلاح رو میز مونتاژ شکل میگیرن . بنابراین بعد از اینکه فیلمهایی رو که تصویربرداری کردین کاملا دیدین متنی برای فیلمتون بنویسین ویه خط داستانی براش تعیین کنین .

فیلمهای مستند اجتماعی:

این فیلمها از موضوعات زنان سرپرست خانواده رو در بر میگیرد تا اعتیادو ایدزو...از نکاتی که برای ساخت اینگونه فیلمها باید در نظر داشته باشین اینه که حریم خصوصی افراد رو در نظر داشته باشین و هیچ گونه هتک هرمتی به این حریم نکنین و حتی از سوژه مورد نظر برای تصویربرداری کسب اجازه کنین و مطمئن باشین در بیشتر موارد جواب مثبت میشونین . اگر براتون امکان داره مجوز تصویربرداری بگیرین اینجوری برای ساخت فیلمتون کمتر دچار مشکل میشین چون سوژه های اجتماعی شکنندن وهر آن ممکنه از شما شکایتی بشه بنابر این با قدرت برین تو شکم سوژتون .

فیلمهای مستند تاریخی:

این فیلمها رو به دوشکل میشه ساخت یا به صورت جستجو گرانه یعنی رفتن و گشتن و متخصص یا راهنمایی رو پیدا کردن و با او همراه شدن و اطلاعاتی رو در مورد بناهای تاریخی بدست آوردن ویا با تحقیق جلو رفتن و اطلاع از اینکه کجا میخوایم بریم و ازچی میخوایم تصویربرداری کنیم مثلا میخوایم از نقش رجب فیلم بسازیم میتونیم یه عالمه تحقیق مکتوب ازش بکنیم و وقتی اونجا میریم بر اساس اطلاعاتتون پلانهای مناسب رو بگیریم و در واقع اینجوری فیلمتون از قبل ساخته شدس.

فیلمهای مستند آموزشی: برای ساخت اینجور فیلمها شما به دو چیز نیاز دارین اولاً اطلاعات کاملی از موضوعی که میخوایم آموزش بدین و دوم نحوه آموزش و خط بیانی

فیلم شاید ندونین فیلمهای آموزشی بیشترین تولید مراکز فیلمسازی دنیاست بنابر این اگه بتونین اینکار رو بکنین منبع درآمد خوبی براتون میشه.

یه نکته ای که در مورد این فیلمها وجود داره اینه که تا اونجا که میتونین از شیوه آموزشی راحتی رو برای بیان مطالبتون پیدا کنین و بدونین که توی اینجور فیلمها نریشن یا گفتار متن از اهمیت ویژه ای برخورداره بنابراین برای ساخت فیلمهای آموزشی سبک بیان خودتونو پیداکنین. نکته دیگه ای که در مورد این فیلمها وجود داره اینه که در ساخت اکثر این فیلمها به دیاگرام انیمیشن ویا ماکت برای تفهیم موضوعاتتون نیاز دارین. که برای ساخت اونا میتونین از یه ماژیک با مقوا تا ساخت ماکتهای پیچیده و تری دی استفاده کنین ولی این رو بدونین که آموزش درست به پیچیده بودن وسایلتون ربطی نداره بلکه به نحوه بیانتون ربط داره بنابراین میتونین یه موضوع پیچیده رو با ماژیک و یه مقوای ساده اینقدر قشنگ بیان کنین که کمبود امکاناتتون اصلا به چشم نیاد.

مستند های ورزشی :مستند های ورزشی جزء جذابترین و پر فروشترین فیلمها به شمار میرن . نکته ای که در مورد این فیلمها وجود داره اطلاعات از قوانین و مقررات بازی و شانس و بازیخونیه.شما ممکنه اطلاعات زیادی مثلا راجع به ورزش بولینگ داشته باشین و یه صبح تا غروبم توی یه باشگاه بولینگ بگذرونین ولی تصویر شاخصی کاسب نشین چون اون روز شانس با شما یار نبوده بنابراین وقت بذارین و یه روز دیگه برین تا تصویر مورد نظرتونو بگیرین . در مورد بازیهای مثل فوتبال ، والیبال ، بسکتبال یا سایر بازی های تیمی بازی خونی شرط مهمیه بنابراین در حالی که از یه بازیکن بسکتبال یه نمای مدیوم شات یا نیمه بسته گرفتین و اگه توی این زمان توپ رو پاس بده و شما اصلا از قبل ندونین که به کی قرار پاس بده کادر بندیتون روی بازیکن جدید چند دقیقه ای طول میکشه یا حتی ممکنه اصلا بازیکن رو پیدا نکنین در اینموارد توصیه من اینه که اگه میتونین دو چشمی تصویربرداری کنین یعنی در حالی که یه چشمتون یه بازیه چشم دیگتون به ویزور برای کادر بندی باشه و تمام پیچهای گردش به اطراف(پن) و گردش به بالا و پایین (تیلت) سه پایتون شل باشه تا به راحتی بتونین همه جور شاتی رو بگیرین.

مستند های خبری :

برای شما که حرفه فیلمسازی را انتخاب کرده اید دیر یا زود مستندی خبری به شما پیشنهاد میشود که این میتواند از بازدید یک مسئول سیاسی از کارخانه فامیلتان باشد

تا دیدار فلان وزیر از نمایشگاه بین المللی یا آتش سوزی در خانه ای حوالی محل

زندگیتان .

در مورد فیلمهای خبری چند نکته وجود دارد اول این که هوای همکارانتان را داشته باشید .من اولین فیلم خبری که برای تصویر برداری رفتم (به خاطر اینکه سعی میکردم بهترین تصاویر را از وزیر صنایع وقت در بازدید از نمایشگاه بگیرم)خودم را به هر طریق ممکن در جلوی وزیر نگه میداشتم و همین امر باعث دلخوری همکارانم شد و تا مدتها بعد هر برنامه خبری که میرفتم و همان همکارانم را میدیدم عرق شرم میریختم بعد از این ماجرا اصطلاحی در این مورد ساختم و آن اینکه در تصویربرداری خبری علاوه بر اینکه دوچشم در جلوی سر دارید دوچشم هم در پشت سر باید داشته باشید تا به همکارانتون صدمهای وارد نکنید چون همونطور که شما دنبال تصویر ناب هستین اونا هم باید برای تهیه کننده هاشون تصاویر خوب ببرن (پس نون بری نکنین!!).

نکته بعدی اینه که در همه برنامه های خبری دوچشمی تصویربرداری کنین یعنی یه چشمتون به واقعه باشه و یه چشمتون به ویزور و اینو بدونین که داشتن یه پلانی که فوکوس نیست یا تکون داره از یه انفجار بهتر ازاینه که در لحظه انفجار شما تازه دارین سه پایه دوربینتونو لول میکنین و... و حتی یه پلانم ضبط نکردین و این نکته رو همیشه به یاد داشته باشین که توی برنامه های خبری ثبت قسمتی از واقعیت مهمه نه تر کیب بندیهای اونچنانی و حرکت دوربین اونچنانی فقط فقط تموم توانتونو بکار بگیرین که یه واقعه رو ثبت کنین.

نکته دیگه ای که باید بهش توجه کنین اینه که توی بعضی از وقایع شما فقط باید کارتونو بکنین مثل امداد گری که اومده تا یه مصدوم رو نجات بده و فقط کارشو انجام میده وبه هیچ عنوان (شاید این حرف من دور از انسانیت به نظر برسه ولی به مرور دلیل این حرف من رو متوجه میشین) توی کارهای امداد و نجات یا اتفاء حریق دخالت نکنین مگر توی مواقعی که واقعا امیدی نیست که ماموری برای کمک بیاد یا وقت برای نجات آدما خیلی تنگ باشه . (یه خبر نگار باید از انواع و اقسام کمکهای امدادی اطلاع داشته باشه چون همیشه در کمین خودش و همکاراشه).

نکات بیانی:

تذکرات آلبرتو کاوالکانتی در مورد ساخت فیلمهای مستند: (اقتباس از کتاب سینمای مستند نوشته ریچارد مبران

بارسام)

آلبرتو کوالکانتی روشهای بدیع بسیاری را در طول سالهای آخر دهه ۱۹۳۰ برای تولید فیلم مستند ارائه کرد . سالها بعد او تجربیات خود را در قالب یکسری اصول خلاصه کرد تا مورد استفاده فیلمسازان جوان قرار گیرد .

اصول ۱۴ گانه کوالکانتی و همکارانش به شرح ذیل است :

* هیچگاه موضوعات عمومی را برای فیلمبرداری انتخاب نکنید . میتوانید مقاله ای راجع به خدمات پستی بنویسید اما تنها باید از یک نامه فیلمبرداری کنید .

* هرگز از اصلی که اظهار میکند سه عامل اساسی باید در فیلم باشد عدول نکنید . این سه عامل عبارتند از : عامل اجتماعی ، شعر و تکنیک.

* وقتی از سناریویی فیلمی تهیه می کنید ، به سناریو ویا فرضیاتی که در ذهن خود دارید متکی باشید . وقتی سناریوی شما آماده است ، فیلم شما ساخته شده است . پس وقتی شروع به فیلمبرداری میکنید در حقیقت همان فیلم را دوباره میسازید.

* به گفتگوها و دیالوگها که برای بیان داستان فیلم بکار میروند اطمینان نکنید . تلفیق صدا و تصویر باید قصه گوی فیلم شما باشد.

گفتار فیلم میتواند خسته کننده باشد ولی گفتارهای بی جا وزائد خسته کننده ترند.

* فراموش نکنید که وقتی از صحنه ای فیلمبرداری میکنید ، هر نما جزئی از یک صحنه است و صحنه جزئی از کل فیلم . زیباترین نماها (شاتها) اگر در جای مناسب خود قرار نگیرند از پیش پا افتاده ترین نماها نیز بدترند.

* وقتی لازم نیست ، بدون دلیل زاویه بخصوصی برای دوربین انتخاب نکنید . زاویه غلط میتواند احساس فیلم را مغشوش کند.

* از برشهای سریع بپرهیزید . یک ریتم تند به همان اندازه مطمئن و نادرست است که یک ریتم کند.

* از موزیک زیاد استفاده نکنید. در غیر این صورت گوش تماشا چپان از شنیدن آن خسته شده و دیگر به آن توجهی نمی کنند.

* در فیلم خود از صدای سینکرونایز شده ، به حد افراط استفاده نکنید . هیچ چیز بهتر از آن نیست که صدای سینکرونایز شده فقط وقتی لازم است مورد استفاده قرار گیرد . صدای مکمل بهترین صدای متن فیلم است.

* به افه های تصویری زیاد توجه نکنید. یا اگر مایل به استفاده از آن هستید افه ها را در هم ادغام کنید. دیزالو ها و فیدها قسمتی از نقطه گذاری فیلم هستند . آنها در حکم ویرگول و نقطه هستند که عبارات (صحنه ها) را به هم ربط میدهند و یا پایان آنها را مشخص میسازند.

* زیاد کلوز آپ نگیرید . فقط در مواقعی که مایلید نقطه اوج موضوعی را نشان دهید از کلوز آپ استفاده کنید . در یک فیلم متوازن و متعادل استفاده از کلوز آپ در حد طبیعی صورت میگیرد . وقتی از کلوز آپ زیاد استفاده شود اهمیت آن از بین میرود.

*از پرداختن به عوامل انسانی و روابط انسانها باهم غافل نشوید انسان میتواند به همان

زیبایی حیوانات و بهمان اندازه که وجود ماشینها در پهنه یک چشم انداز زیباست در فیلم ظاهر شود.

* هیچ نقطه ابهامی در مورد داستانی که مایلید از آن فیلم بسازید نداشته باشید . یک سوژه حقیقی باید بسادگی و به وضوح بیان شود . با این همه موضوع وسادگی نباید الزاما مانع از آن شود که فیلم حالت نمایشی خود را از دست بدهد.

* فرصت هایی را که برای تجربه اندوزی پیدا میکنید غنیمت بشمارید . حیثیت فیلم مستند تنها بر پایه تجربه تجربه استوار است . بدون تجربه فیلم مستند ارزش خود را از دست میدهد بدون تجربه فیلم مستند خواهد مرد.

با نگاهی به :

سینمای آماتور در ده درس - نوشته : کلود تارنو / گی فورنیه - ترجمه: امیرهوشنگ کاوسی - انتشارات سروش ۱۳۵۵

راهنمای فیلمسازی - نویسندگان : یامر کلیمچر - وارن جانسون - مترجم : بهرام ری پور - ناشر فیلمخانه ملی ایران

۱۳۶۲

سینمای مستند - ریچارد میران بارسام - ترجمه مرتضی پاریزی - انتشارات فیلمخانه ملی ایران - ۱۳۶۲

متد تصویر گری تلویزیون - مولف : پیتز جونز - انتشارات سروش ۱۳۶۳

چگونه آگهی تلویزیونی بسازیم - مولف: هانتلی بالدوین - ترجمه: حمید گرشاسبی - انتشارات سروش ۱۳۸۳

سینمای مستند نویسنده حمید نفیسی انتشارات دانشگاه آزاد ایران ۱۳۵۷

مجموعه کاتالوگهای کداک

سایت انجمن مهندسان تلویزیون و سینما اس - ام - پی - تی - ای

سایت سینمایی شوتینگ

پایان

خزان برگ ریز ۱۳۸۶ ©